

سه‌شنبه • ۲۷ فروردین ۱۳۹۲ • سال دهم • شماره ۱۷۰۸ • ۷

شرق روزنامه

سیاسی

قراردادهای نفتی و فعالیت اقتصادی ستاد اجرایی فرمان امام(ره)

صفحه ۸

روزشمار

مروری بر رابطه ایران و مصر در گذر زمان

از نیل تا خلیج فارس

زینب اسماعیلی

مصر در زمستان سال ۱۳۰۰ استقلال خود را از انگلستان به دست آورد. با اعلام استقلال مصر در سوم بهمن این سال، دولت ایران بلافاصله این کشور را به رسمیت شناخت و سرکنسولگری خود را در قاهره به سفارت ارتقا داد. در این زمان احمدشاه آخرین سال‌های حکومت خود را پشت‌سر می‌گذاشت و کابینه‌های کوتاه‌مدت تحت سلطه رضاخان بر کشور حکمرانی می‌کردند.

روابط ایران و مصر تا پیش از آن در حد سفارت نبود. انگلیسی‌ها و پیش از آن، عثمانی که مصر را در تصرف خود داشت، تعیین‌کننده ماهیت و میزان روابط کشورهای جهان با حکومت دست‌نشانده‌شان در قاهره بودند. نه حکومت‌های مصر اختیارات کاملی برای برقراری مناسبات سیاسی با دیگر کشورها داشتند و نه ایران در سال‌های آخر دوران قاجار سامان سیاسی داشت. با این همه، میان مردم دو کشور نوعی پیوند معنوی ایجاد شده بود. هر دو کشور در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی مورد تهدید و آزار انگلیسی‌ها بودند و با یکدیگر نوعی احساس همدردی داشتند. شاید به همین دلیل نیز بعضی متفکران مخالف استبداد قاجار در دوران مشروطه، از جمله سیدجمال‌الدین اسدآبادی، قاهره را مرکزی برای فعالیت‌های فکری خود ساخته بودند.

سال‌های جنگ جهانی اول و مبارزه مردم هر دو کشور با سلطه انگلیسی‌ها، پیوند میان دولت ایران و مصر را افزایش داد. اوج این مبارزات را می‌توان در حرکت آزادخواهانه مردم ایران علیه قرارداد ۱۹۱۹ – منعقدۀ بین وثوق‌الدوله و انگلیس – مشاهده کرد.

همزمان با همین حرکت آزادی‌خواهی، در مصر نیز مبارزات مردمی علیه سلطه انگلیس وجود داشت که نهایتاً در ۱۳۰۰ به استقلال مصر انجامید.

سفارت ایران در قاهره تا هنگام انقراض سلسله قاجار (۱۳۰۴) فعال نبود، اما پس از آن و در پی تاجگذاری رضاخان (۱۳۰۵) اولین قرارداد مودت و دوستی میان دو کشور در سال ۱۳۰۷ منعقد شد.

مناسبات رضاخان با حکومت ملک فواد در مصر صمیمی بود. در مجموع، روابط تهران وقاهره از ۱۳۰۰ که سفارت ایران در مصر دایر شد، تا ۱۳۳۱ که حکومت سلطنتی در این کشور منقرض شد، دو ویژگی اصلی داشت: اول، همکاری مثبت دولتی و مناسبات صمیمی در سطح دو حکومت و دوم، مبارزه مشترک دو حکومت با اسلام‌خواهی مردم. هم حکومت پادشاهی هر دو کشور و سلطه انگلیس بر هر دو نظام و هم مبارزه مشترک آنها با اسلام‌گرایی در کشورشان موجبات گرمی مناسبات را فراهم آورده بود.

استند ۱۳۱۷: ازدواج سلطنتی

یکی از دلایلی که به‌طور موقت به تحکیم روابط تهران و قاهره انجامید، ازدواج محمدرضا پهلوی – ولیعهد وقت ایران – با فوزیه – دختر ملک فواد و خواهر ملک فاروق پادشاه مصر – در اسفند ۱۳۱۷ بود. این ازدواج که دو سال و نیم قبل از سقوط حکومت رضاشاه انجام شد، تنها ۱۰ سال دوام آورد و در سال ۱۳۲۷ به‌منار که انجامید و روابط دو دولت مصر و ایران را به سردی کشاند.

تابستان ۱۳۳۱؛ جمال عبدالناصر و تیرگی روابط

در پی سقوط ملک فاروق در تابستان ۱۳۳۱ و به قدرت رسیدن نظامیان چپگرا از جمله ژنرال محمد نجیب و جمال عبدالناصر، روابط تهران و قاهره تیره شد. حکومت ایران دولت هم‌پیمان خود را در مصر از دست داد و دولت دیگری در ضدیت با نظام سلطنتی و انگیزه‌های سوسیالیستی و چپگرایانه به قدرت رسید. حکومت جدید مصر با مخالفان شاه از جمله مصدق، روابطی برقرار کرد. حکومت مصر پس از سقوط ملک فاروق، از مبارزات ملی شدن صنعت نفت ایران حمایت می‌کرد. به همین دلیل، سفر محمد مصدق –نخست‌وزیر وقت ایران – به قاهره با استقبال جمال عبدالناصر و دیگر مقامات مصری روبه‌رو شد، اما کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بازگشت شاه بهپود مناسبات دو کشور را از بین برد. بدبینی جمال عبدالناصر نسبت به شاه، جای گرفتن دو رژیم در دو بلوک سیاسی متفاوت، و شرق و غرب –اختلاف ناصر با اسرائیل، هم‌پیمانی شاه با صهیونیست‌ها و عوامل دیگر، به دوری تدریجی تهران و قاهره و انجاصید، اتحاد جماعیهر ششروی و سایر دولت‌های عربی،و به‌تدریج با مصر متحد شدند. در مقابل آمریکا، انگلیس، اسرائیل و سایر رژیم‌های غربگرا، نیز با شاه متحد شدند. تحت تأثیر این تحولات، دهه ۳۰ ششی، دهه روابط تیره ایران و مصر بود.

تابستان ۱۳۳۹؛ قطع رابطه

در تابستان ۱۳۳۹ جمال عبدالناصر در پی نطق شدیداللحنی علیه حکومت شاه، دستور قطع رابطه سیاسی با تهران را به دلیل هم‌پیمانی شاه با اشغالگران صهیونیست صادر کرد. جمال عبدالناصر در نطق خود شاه را همدست صهیونیست‌ها نامید و این همدستی را منایر با آرمان کشورهای عربی و اسلامی تلقی کرد. متعاقب این اقدام ناصر، شیخ شلونت رئیس دانشگاه الازهر نیز طی تلگرامی به شاه – ۵ مرداد ۱۳۳۹ – اقدام وی را در شناسایی سیاسی اسرائیل و ایجاد رابطه سیاسی با این رژیم، را خیانت به مسلمین نامید و از وی انتقاد کرد. شاه نیز پنج روز بعد در پاسخ به تلگرام رئیس الازهر اعلام کرد شناسایی اسرائیل توسط ایران، ۱۰ سال قبل صورت گرفته و اکنون اتفاق تازه‌ای نیفتاده است. روابط مصر با تهران ۱۰ سال قطع بود. در ۲۳ مرداد ۱۳۳۹، اتحادیه عرب با اعمال نفوذ جمال عبدالناصر، خلیج‌فارس را به نام جعلی یاد کرد و کنفرانس حقوق‌انان عرب نیز در ۱۴۴۳ تحت نفوذ ناصر، برای نخستین بار از خوزستان ایران با نام جعلی «عربستان» یاد کردند.

این اقدامات که با پوشش «پان عربیسم» تبلیغ می‌شد، از سویی شکاف بیشتر بین شاه و سایر رژیم‌های عرب را در پی داشت و از سوی دیگر به حمایت بیش از پیش آمریکا و رژیم صهیونیستی از شاه انجامید.

نگاه

گام‌های آرام به سوی آشتی

در اردیبهشت ۱۳۸۶، محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران اعلام کرد: «اماده هستیم تا اگر همین امروز دولت مصر اعلام آمادگی کند، سفارت‌مان را در آن دایر کنیم.» جمله‌ای که با واکنش مثبت مصری‌ها مواجه نشد. دو سال بعد از بیان این جمله، در فروردین سال ۱۳۸۸، حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر پس از اطلاع از دعوت محمود احمدی‌نژاد در نشست سالانه سران اتحادیه عرب در شهر دوحه قطر، از حضور در آن خودداری کرد.

جنتال بر سر یک فیلم

در تیر ۱۳۸۷، فیلم مستندی به نام اعدام فرعون توسط عده‌ای از هواداران ستاد پاسداشت شهدای نهضت جهانی اسلام ساخته شد و از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد. در فیلم اعدام فرعون، از انور سادات رئیس‌جمهور مصر، به‌خاطر آشتی با اسرائیل به عنوان یک «خائن» و از قاتل او در نقش یک «قهرمان» ترسیم شده است. دولت مصر به پخش این فیلم از تلویزیون ایران شدیداً اعتراض کرد و در واکنش دفتر شبکه عرب‌زبان «العالم» را که متعلق به صدا و سیمای جمهوری اسلامی است، با دخالت پلیس قاهره پلمپ کرد. همچنین مسابقه دوستانه میان تیم ملی فوتبال ایران و تیم ملی فوتبال مصر نیز توسط مقامات مصری لغو شد. دانشگاه الازهر که از مهم‌ترین مراکز علمی جهان اسلام محسوب می‌شود، نیز در اعتراضی خواستار سوزاندن این فیلم شد.

دوب شدن یخ روابط

با ظهور بهار عربی در مصر و سقوط حکومت حسنی مبارک در زمستان ۱۳۹۰ و روی کارآمدن محمد مرسی، رئیس‌جمهور اسلامگرای این کشور در خرداد ۱۳۹۱ یخ‌های رابطه تا حدودی شکسته شد. مصر بعد از این دوران به ایران اجازه داد تا ناوهایسی را از کانال سوئز رد کند. مرسی برای اجلاس سران غیرمتعهدها به ایران آمد و ایران را کشور دوست و برادر خواند.

سفر احمدی‌نژاد به مصر

در بهمن همین سال محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران به دعوت محمد مرسی برای شرکت در اجلاس سران کشورهای اسلامی به این کشور سفر کرد؛ سفری که با حاشیه‌های فراوانی از جمله تنش در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با مشاور ارشد شیخ الازهر و پرتاب کفش از سوی یک شهروند سوری در مقابل مسجدالحسین قاهره همراه شد. سفر رئیس‌جمهور به مصر برای شرکت در نشست شورای همکاری‌های اسلامی می‌توانست فتح بلی برای روابط ایران و مصر بعد از ده سه قطع رابطه باشد. اما شروط سختگوی رئیس‌جمهور مصر ادامه این رابطه را با مسایلی همراه کرد. یاسر علی دربارۀ برقراری رابطه با ایران اعلام کرد: نزدیکی روابط بسا ایران در گرو موضع تهران در برابر بحران سوریه پذیرش افکار عمومی مصر و کشورهای عربی است. محمود احمدی‌نژاد نیز در کنفرانس خبری پایان سفر خود در قاهره گفت که ایران به‌دنبال روابط نامحدود با مصر است.

ورود گردشگران ایرانی به مصر

هشتم فروردین امسال، وزیر گردشگری مصر اعلام کرد پس از سه دهه گردشگران ایرانی می‌توانست توریستی داده خواهد شد. بعد از ورود اولین گروه گردشگران، مصر اعلام کرد، در آرایه ویزا به ایرانیان توفقی ایجاد خواهد کرد توفقی که به دلیل حمله گروهی از سلفیان مصری به دفتر حفاظت از منافع ایران در قاهره ایجاد شد. به نظر می‌رسد رابطه ایران و مصر حتی بعد از روی کار آمدن دولت اسلامگرای این کشور با موانعی مواجه است؛ موانعی که اگرچه کمتر گذشته در این رابطه قرار گرفته‌اما تا تحکیم آن راه درازی در پیش دارد.



مجتبی امانی/ عکس: امیر جدیدی، شرق

دفتر حافظ منافع مصر در تهران رفتیم و پس از چند سوال در مورد اوضاع داخلی مصر به دستاورد سفرها پرداختیم. او سخنان رئیس دولت ایران در مورد «رواید» را اظهارات صرفاً سیاسی می‌داند و می‌گوید: «ما مثل همه کشورها از ایرانیان ویزا می‌خواهیم.» پاسخ‌های او صرفاً در قالب ملاحظات معمول دیپلمات‌ها بود و سعی می‌کرد تا فضای مصاحبه را از هر چالشی مصون نگاه دارد. او در پایان گفت‌وگو خواست که مصاحبه کامل و دقیق به چاپ برسد زیرا در آینده روابط دو کشور تأثیرگذار خواهد بود. گفت‌وگوی بعدی با «مجتبی امانی» رئیس دفتر حافظ منافع کشورمان در مصر بود. مجتبی امانی ضمن اینکه سعی در حفظ چوب‌بها داشت با صراحت بیشتری سخن می‌گفت.

مجتبی امانی، رئیس دفتر حافظ منافع ایران در مصر:

همه رفتارها در کنترل حاکمیت نیست

طبق شنیده‌ها شما در مصر با رتبه سفیری فعالیت می‌کنید، آیا شما دارای استوارنامه هستید؟
براساس قراردادی که در سال ۱۹۹۱ برای بازگشایی دفاتر حافظ منافع بین دو کشور به امضا رسید، برای اینکه دو طرف در روابط خودشان با وزارت خارجه یا سفرای دیگر از لحاظ تشریفاتی چیزی کم نداشته باشند، روسای دو دفتر با درجه سفیر انتخاب می‌شوند، ولی سطح شکلی روابط به‌عنوان دفتر حافظ منافع است و در هر حال نوع روابط و محتوای آن ممکن است خارج از این سطح باشد.
آ چه برنامه‌هایی برای ارتقای این دفتر به سفارت دارید؟
ما همواره آمادگی خودمان را برای ارتقای روابط به سطح سفارت (از لحاظ شکلی) اعلام کرده‌ایم اما طرف مصری چه قبل و چه بعد از انقلاب ملاحظاتی داشته که مانع از حذف این شکل از روابط شده، گر چه در زمان مبارک ملاحظاتشان مرتبط با روابط ویژه و استراتژیک با آمریکایی‌ها بود اما به نظر می‌رسد بعد از انقلاب مصر، روند کند اهداف انقلاب مانع اصلی این موضوع بوده. به هر حال در طول دو سال و اندی از لحاظ شکلی ما همواره حرکت رو به جلو و فزاینده را می‌بینیم.
آ در زمان مبارک پرونده رابطه با ایران در اختیار سیستم‌های امنیتی مصر قرار داشت. آیا الان هم سیستم امنیتی مصر مخالف رابطه با ایران است؟
ببینید بحث مخالفت با موافقت نیست. در هر حال رابطه بین مصر و ایران یک حرکتی است که تأثیرات بسیار زیادی در منطقه دارد. از نظر ما این بازگشت رابطه به سطح سفارت کاملاً طبیعی است، اما همان‌طور که گفته شد طرف مصری ملاحظات خودش را دارد و ما نمی‌توانیم آن معیارهایی که در کشور خودمان راجع به تحقق یک انقلاب داریم، با آنها مقایسه کنیم.

آ فشار کشورهای حوزه خلیج‌فارس» بر شخص مرسی
برای برقرار نکردن رابطه با ایران تا چه حد در سیاست‌های دولت مصر تأثیرگذار است؟
کشورها حوزه‌هایی برای خود تعریف و از ابزارهایی برای تحقق اهدافشان استفاده می‌کنند. ما نمی‌توانیم با قطعیت در این مورد صحبت کنیم بلکه مسئولان مصری باید این را بگویند ولی نظر بسطیاری از تحلیلگران این است که برخی از کشورهای عربی به‌رمغ اینکه خودشان دارای روابط گسترده سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جهانگردی با ایران هستند از برقراری رابطه طبیعی بین مصر و ایران استقبال نمی‌کنند و شاید هم از ابزارهایی برای انحراف این مسیر یا ممانعت از آن استفاده‌دیکند.

آ فکر می‌کنید این تحلیل‌ها تا چه حد بر سیاست‌های آقای مرسی تأثیرگذار است؟
مانمی‌توانیم بگوییم بی‌تأثیر است.البته من نگاه تحلیلگران را می‌گویم. چون نمی‌توانم تحلیل واقعی را در این مورد بیان کنم ولی در هر حال مجموع این عوامل و محاسبه سود و زیان‌هاست که منجر به یک تصمیم می‌شود.
آ از زمان روی کار آمدن اسلامگرایان در مصر فشار سکولارها بر ار تش و شخص مرسی برای عدم برقراری



خالد عماره/ عکس: مهدی حسینی، شرق

بعد از ۳۴ سال، با رفتن دیکتاتوری به‌نام «حسنی مبارک» از صحنه قدرت، انقلاب مصر و پیروزی اسلامگرایان زمینه‌ها برای برقراری رابطه بین «تهران – قاهره» برقرار شد و روسای جمهور دو طرف سفری به کشور مقابل داشتند؛ محمد مرسی در سفری، سه ساعت در تهران و محمود احمدی‌نژاد، سه روز را در قاهره سپری کردند، اما با وجود این سفرها و گذشت دو سال از انقلاب مصر هنوز روابط دو دولت در حد دفتر حافظ منافع است و به زعم یکی از مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، برای ارتقای این دفاتر به سفارت، نیازمند زمان بیشتری هستیم. برای بررسی سطح روابط و اینکه چرا هنوز استوارنامه‌ای بین دو طرف ردوبدل نشده، ابتدا به سراغ «خالد عماره» رئیس



جواد مرشدی

خالد عماره، رئیس دفتر حافظ منافع مصر در تهران:

آزادی مصری‌ها را محدود نمی‌کنیم

آ شما با جایگاه سفیر در ایران فعالیت می‌کنید؟
من دارای درجه سفیری هستم ولی این دفتر، دفتر حافظ منافع مصر است.
آ یعنی استوارنامه ا را به داده‌اید؟
طبیعی است که نه، چون اینجا دفتر حافظ منافع مصر است و استوارنامه برای وقتی است که فعالیت به‌صورت کامل و به نوعی سفارت باشد.
آ آیا این دفتر در حد یک سفار تخته فعالیت می‌کند؟
سفیر سفیر است و فرقی ندارد جایی که کار می‌کند دفتر حافظ منافع باشد یا سفارت.
آ برنامه‌ای برای ارتقای این دفتر حافظ منافع به سفارت دارید؟
با چشم‌پوشی از اینکه اینجا دفتر حافظ منافع است یا سفارت، سعی در ارتقای روابط داریم.
آ از زمان روی کارآمدن اسلامگرایان در مصر فشار سکولارها بر ارتش و آقای مرسی برای رابطه با ایران بیشتر نمود پیدا کرده، به نظر شما این فشارها در روابط دو جانبه تأثیرگذار بوده‌اند؟
این گفته شما دید زیاد دقیقی از مصر نیست چون نظامی که بعد از انقلاب آمد یک نظام دموکراتیک است و پنج انتخابات یعنی دو همه‌پرسی و سه انتخابات دیگر را بعد از روی کارآمدن انجام داده

و مردم مصر هم با سلیقه و حرکت خودشان آنچه را که می‌خواهند، انتخاب می‌کنند. اینکه پس از انتخابات، جریان اسلامگرا قدرت را به دست گرفت، به این معنی نیست که الان مصر اسلامی شده، بلکه مصر از قبل اسلامی بوده است و ۱۴ قرن است که در قلب امت‌های اسلامی جا دارد و الان در مصر در سایه این تحول قدرت بین نیروهای مصری همه‌جور انتخاب‌هایی داریم که مردم مصر گاهی اسلامی و گاهی سکولار و

گاهی جهت‌های دیگر را انتخاب کرده‌اند. در مورد روابط خارجی مصر باید بگویم که مصر در صدد است تا به آن نقش بارز خود را لحاظ منطقه‌ای دست پیدا کند، با توجه به اینکه مجلس نمایندگی بنا بر قانون اساسی جدید هنوز انتخاب نشده، تنها انتخاب مردم همان ریاست‌جمهوری است و تمام جریان‌ها به دنبال این هستند که مجدداً نقش خود را در منطقه به دست بیاورند و ارتباطاتشان را با کشورهای منطقه از جمله ایران ارتقا دهند.
آ خواسته اصلی سکولارها در مصر چیست؟
ما تعریفی به‌نام سکولار در مصر نداریم، بلکه لیبرال تعریف ماست.

آ خواسته همان لیبرال‌ها چیست؟
درخواست طبیعی آزادی دارند؛ آزادی بیشتر، یعنی اینکه شهروندان بیشتر در محاسبه مسئولان مشارکت کنند و در یک حالت مدنی (که قبلاً سنتی بود) این حرکت تقویت شود و ادامه داشته‌باشد که این خود یک جزو اساسی در تفکر انسان است. مردم مصر می‌دانند که اهداف انقلاب‌های بزرگ در طولانی‌مدت محقق می‌شود و آنها هنوز تا محقق شدن اهدافشان خیلی فاصله دارند.

در جواب این سوال ر اادم. بنابر توافقنامه‌ای که در سفر وزیر گردشگری مصر به تهران انجام شد، بنا شد گردشگران ایرانی به مکان‌های گردشگری خاصی از مصر سفر کنند و این اقداماتی است که قبلاً هیچ پیشینه‌ای نداشته‌است.
آ من جواب سوالم را نگرفته‌ام، من می‌گویم حال که ایران اعلام کرده از اتباع مصر ویزا نمی‌خواهد، آیا مصر هم حاضر است که در مقابل از ایرانیان برای سفر به مصر ویزا نگیرد؟
من جواب این سوال را دادم. بنابر توافقنامه‌ای که در سفر وزیر گردشگری مصر به تهران انجام شد، بنا شد گردشگران ایرانی به مکان‌های گردشگری خاصی از مصر سفر کنند و این اقداماتی است که قبلاً هیچ پیشینه‌ای نداشته‌است.

ادامه در صفحه ۱۰